آموزش عالی در میانهٔ تعارض‌های شغل گرایی جدید و حرفه گرایی مدنی و مردم مدار

محمدامین قانعی راد[1]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۹/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۰۳

چکیده

آموزش عالی در جامعهٔ معاصر از سوی دو گرایش متعارض به‌سوی شغل گرایی و حرفه گرایی کشیده می‌شود. این مقاله با تفکیک مفاهیم حرفه و شغل به بررسی ریشه‌های شغل گرایی و حرفه گرایی در دوران مدرن و نسبت آن‌ها با آموزش عالی می‌پردازد. پس‌ازاین مرور مفهومی، تأثیر تحولات دهه‌های پایانی قرن بیستم بر پیدایش دو مفهوم شغل گرایی و حرفه گرایی بررسی می‌شود. هدف این مقاله واکاوی در ابعاد مختلف حرفه گرایی جدید و بررسی پیامدهای این مفهوم در سازمان اجتماعی و محتوای معرفتی حرفه‌ها در آینده نزدیک است. به این دلیل مفاهیم حرفه گرایی جدید و سیاست حرفه گرایی و انواع مدل‌های مرتبط با آن مطرح می‌شوند و سرانجام مدل چهاروجهی و تعاملی حرفه گرایی به بحث گذاشته می‌شود.

نتیجه‌گیری نهائی مقاله بر اهمیت حرفه گرایی جدید در برابر شکل‌گرایی جدید تأکید دارد. شکل‌گرایی جدید تحت تأثیر ضرورت‌های تازه، آموزش را با تهدید گسترش رویه‌های مکانیکی، فایده‌گرایی و کمیت گرایی صرف و دانش‌آموختگان را نیز با تهدید گسترش رویکردهای غیر انتقادی، تک ساحتی و تکنسین مآبی مواجه ساخته است که نتیجه آن فراموش کردن علم و حرفه به‌مثابه مجموعه‌ای از ارزش‌های شخصی، میان شخصی، اجتماعی و سیاسی است. این مقاله برای پاسخ گوئی به نیازهای چندگانه و ازجمله ایجاد توازن بین کار و زندگی، فرهنگ و دانش، اصلاح برنامه‌های آموزشی در سطوح مختلف ازجمله آموزش عالی را برای ترکیب دو جریان آموزش عمومی با تأکید بر ارزش‌های

[1] دانشیار جامعه‌شناسی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور ghaneirad@yahoo.com

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

انسان‌گرایانه و مدنی و آموزش حرفه‌ای با تأکید بر ارزش‌های شغلی را ضروری می‌داند. موضوع پایانی مقاله ارائهٔ راهبردهای خاص به‌منظور گسترش حرفه گرایی جدید، به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی و با تأکید بر تقویت رابطه حرفه‌ها با مردم می‌باشد.

واژگان کلیدی:
آموزش عالی، شغل گرایی جدید، حرفه گرایی جدید، سیاست حرفه گرایی، مدل چهاروجهی حرفه گرایی، حرفه گرایی مدنی، حرفه گرایی مردم مدار

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

مقدمه و طرح مسئله

در ادبیات معاصر مفهوم حرفه به دو معنای وسیع و محدود به کار می‌رود. فریدسون (۱۹۹٤) حرفه‌های شغلی[۱] را از حرفه‌های پایگاهی[۲] تمایز می‌بخشد. حرفه‌های شغلی همان مفهوم وسیع‌تر حرفه است که در آن افراد حرفه‌ای[۳] بر مبنای سال‌های آموزش رسمی مورد نیاز برای اشتغال در شغل‌های خاص تعریف می‌شوند. در این تعریف، کارکنان حرفه‌ای کسانی هستند که کارشان نیازمند چهار سال آموزش در سطح آموزش عالی است. حرفه‌های شغلی به قشر وسیع و نسبتاً معتبر ولی کاملاً متنوع شغل‌ها باز می‌گردند که اعضای آن‌ها از آموزش عالی برخوردارند و بیشتر به‌وسیله پایگاه تحصیلی‌شان تا مهارت‌های شغلی خاصشان، تعیین می‌شوند. پژوهشگران در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹٦۰ بر مفهوم حرفه‌های پایگاهی به معنای نوع خاصی از مشاغل و با ویژگی‌های معین تأکید داشتند. ازنظر آنان کار حرفه‌ای متمایز از کار شغلی است و مستلزم آموزش و کارآموزی طولانی و پرهزینه به‌منظور کسب دانش و تخصص است و تنها گروه‌هایی مثل پزشکان، مشاوران، مهندسان، دندان‌پزشکان، کشیشان، معلمان مدارس، گزارشگران، پرستاران، خلبانان، مددکاران اجتماعی را در برمی‌گیرد که دارای دانش ویژه – معمولاً دانش انتزاعی و نظری – و مهارت ویژه- معمولاً مستلزم انجام قضاوت‌های پیچیده – می‌باشند. این حرفه‌های پایگاهی دارای ویژگی‌های نهادی و ایدئولوژیک خاص و کمابیش مشابه می‌باشند و برای خود هویت‌های شغلی و بازارهای کاری انحصاری را ایجاد می‌کنند که آن‌ها را از سایر مشاغل متمایز می‌سازد. حرفه‌های پایگاهی با نمونه‌های تاریخی پزشک و وکیل، مستقل بوده و به انجام یک خدمت عمومی می‌پردازند و در تصمیم‌گیری‌های خود از اخلاقیات حرفه‌ای[٤] و یا قواعد رفتار معین تبعیت می‌کنند. آنان در یک مناسبات ویژه اعتماد با مراجعین، مدیران و کارفرمایان خود قرار دارند و دارای منش دگرخواهانه[٥] بوده و با ارزش‌های عام‌گرایانه برانگیخته می‌شوند. در فقدان این ویژگی‌ها باید به‌جای حرفه از مفهوم شغل استفاده کرد و مشاغلی که فقط دارای برخی از این ویژگی‌ها می‌باشند را می‌توان به قول

[1]-Occupational Professions
[۲] -Status Professions
[۳]-Professionals
[٤]-Professional ethics
[٥]- Altruistic

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

اتزیونی (۱۹٦۹) شبه حرفه[۱] نامید. به نظر اوتز (۲۰۰۳) به‌جای کشیدن یک خط تمایز سخت بین حرفه‌ها و مشاغل می‌باید این هر دو را به‌عنوان اشکال یا نهادهای اجتماعی مشابه در نظر گرفت که از ویژگی‌های مشترکی به‌ویژه در ارتباط با جامعه‌پذیری شغلی، تقویت هویت‌ها و اعتماد مشتریان برخوردارند. او تلاش نمی‌کند بین حرفه‌ها و سایر گروه‌های شغلی خط تمایزی برقرار کند و ترجیح می‌دهد بر ویژگی‌ها و فرایندهای مشترک آن‌ها تأکید کند.

تحولات دهه‌های پایانی قرن بیستم به شکل‌گیری «جامعهٔ دانایی محور/ دانش»[۲] انجامیده است که آن را با عباراتی چون جامعهٔ پسا مدرن[۳] (لیوتار ۱۳۸۱) جامعهٔ پسا صنعتی[٤] (بل ۱۹۷٦)، جامعهٔ اطلاعاتی[٥]، جامعهٔ شبکه‌ای[٦] (کاستلز ۱۳۸۰) جامعهٔ دانش و جامعه پسا سرمایه‌داری[۷] (دراکر ۱۳۷٤) تمایز می‌بخشند. شکل‌گیری جامعهٔ جدید با دگرگونی در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی همراه بوده است که این دگرگونی‌ها به‌نوبه خود فرهنگ کار و اشتغال را نیز دگرگون ساخته است.

مفهوم سنتی حرفه گرایی[۸] عبارت است از ایدئولوژی و مجموعه خاصی از نهادها که حرفه به‌وسیله آن‌ها سازمان می‌یابد. ایدئولوژی حرفه گرایی، بر مبنای توصیف فریدسون (۱۹۹٤)، بخش زیادی از اخلاقیات سنتی «حرفه‌ای به‌عنوان خدمتگزار دگر خواه مشتریان/ارباب‌رجوع» را با خود حمل می‌کند. این نوع از حرفه گرایی با ویژگی‌هایی چون اسرارآمیز[۹] بودن، پیچیدگی و برخورداری از سرشت تشخیصی و حق اعمال قضاوت شخصی[۱۰] است. این کار مستلزم دانش نظری، مهارت و قضاوتی است که مردم عادی آن‌ها را ندارند، نمی‌توانند تماماً آن‌ها را بفهمند و نمی‌توانند به سهولت آن‌ها را ارزیابی کنند. در ایدئولوژی حرفه گرایی گمان

۱- Semi-Profession

۲ -Knowledge/Knowledge-Based Society

۳ -Post-Modern Society

٤- Post-Industrial Society

٥-Information Society

٦ -Network Society

۷-Post-Capitalism Society

۸-Professionalism

۹ -Esoteric

۱۰ -Discretionary

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

می‌رود که کار حرفه‌ای‌ها برای رفاه افراد و رفاه جامعه وسیع‌تر به‌طور خاص اهمیت دارد و از چنان ارزش ویژه‌ای برخوردار است که پول به‌تنهایی نمی‌تواند به‌عنوان سنجهٔ انحصاری آن به کار بیاید. سرشت کار حرفه‌ای دو عنصر اساسی حرفه گرایی را تعیین می‌کند: تعهد به عمل کردن بر اساس یک پیکرهٔ دانش و مهارت دارای ارزش خاص و تعهد به حفظ رابطهٔ اعتماد آمیز با ارباب‌رجوع / مراجعه‌کنندگان. بدین ترتیب مطالعه حرفه گرایی تا حدی مطالعه فرهنگ کار و اشتغال نیز می‌باشد. در جامعهٔ دانش و با شکل‌گیری اشتغال دانایی محور، حرفه گرایی یا سرشت و ویژگی‌های هنجاری و ارتباطی کارکنان و صاحبان حرفه با مشاغل خود دگرگون شده است به‌طوری‌که می‌توان از پیدایش حرفه گرایی جدید[۱] سخن گفت.

اسکات‌لش (۱۳۸۳) جامعهٔ معاصر را با ویژگی تمایز زدایی‌اش از جامعهٔ مدرن با ویژگی تمایز پذیری[۲] آن تفکیک می‌کند. در دیدگاه ماکس وبر جامعهٔ مدرن با تفکیک سه حوزه فرهنگی علم، اخلاق، هنر تمایز می‌یابد. وبر از علم به‌مثابه یک حرفه و سیاست به‌مثابه یک حرفه سخن می‌گوید (وبر ۱۳۶۸)؛ ازنظر او دو حرفهٔ دانشمند و سیاستمدار به‌طور مجزای از یکدیگر تعریف می‌شوند و هیچ‌یک از این دو حرفه نباید در حوزه کار دیگری دخالت کند. دانشمند تمام‌وقت و سیاستمدار تمام‌وقت باید به‌طور مجزای از دیگری به فعالیت‌هایی بپردازند که در حوزه صلاحیت انحصاری آنان قرار دارد. ازنظر وبر، با تمایز پذیری فرهنگی، در عصر مدرن، ساختارهای عقلانیت سه‌گانه یا «حوزه‌های ارزشی» سه‌گانه متفاوت به‌طور مستقل از همدیگر توسعه می‌یابند. هابرماس برخلاف ماکس وبر جامعه مدرن را فقط با تمایز پذیری توصیف نمی‌کند و این سؤال را مطرح می‌سازد که «آیا عقلی که به‌صورت عینی به حوزه‌های متفاوت تفکیک شده است، هنوز می‌تواند وحدت و یکپارچگی خود را حفظ کند». به نظر او در هر یک از حوزه‌های سه‌گانه مزبور، فرایندهای تمایز پذیری اغلب با گرایش‌های تمایز زدایی همراه هستند که تحت لوای «اعتبار» مسلط در آن حوزه می‌کوشند آن دو بُعد حذف شده دیگر را بازگردانند و حوزه‌های تفکیک شده عقل از کانال این گرایش‌ها دوباره به‌سوی وحدت و یکپارچگی حرکت می‌کنند. البته وحدت اخیر نه در سطح جهان‌بینی‌ها، بلکه در این‌سوی فرهنگ‌های تخصصی یعنی در قلمرو کنش ارتباطی غیر شیء واره شکل می‌گیرد و بدین

---

[۱]- Professionalism New

[۲]- Differentiation

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

ترتیب برخی از گرایش‌های پژوهشی می‌کوشند بدون انکار پرسش‌های معطوف به «صدق» دیدگاه‌های نقد اخلاقی و زیبایی‌شناختی را نیز وارد میدان کنند (مقایسه کنید با: جلائی‌پور و محمدی ۱۳۸۷: ۲۹۸-۲۹٦).

برای توصیف فرایندهای کنونی تحول در فرهنگ کار، اشتغال و حرفه‌ها، گاه بر تمایز دانش‌های تخصصی از سایر مقولات فرهنگی و گاه بر تعامل بین تخصص‌ها و حرفه‌ها و حتی تعامل بین حرفه‌ای‌ها و غیر حرفه‌ای‌ها ازجمله سیاستمداران و مردم تأکید می‌شود. درواقع این دو شیوهٔ توصیف را می‌توان به‌عنوان دو گرایش همزمان در قلمروی مطالعات در باب حرفه گرایی و همچنین کردار حرفه‌ای مشاهده کرد. هدف این مقاله واکاوی در ابعاد مختلف حرفه گرایی و بررسی پیامدهای تحول این مفهوم در سازمان اجتماعی و محتوای معرفتی حرفه‌ها در آینده نزدیک است. فرایندهای تحول فرهنگ حرفه‌ای با عوامل ساختاری و دلایل فرهنگی خاص خود، دیر یا زود چشم اندازهای کار و اشتغال در ایران را نیز تحت تأثیر خود قرار خواهد داد و بنابراین از هم‌اکنون با تقویت مباحث مطالعاتی و سیاستی در این زمینه، هم باید به گسترش آن کمک کرد و هم به استقبال آن رفت.

تحولات اجتماعی و اقتصادی و دگرگونی در فرهنگ حرفه گرایی

کار، شغل و حرفه علاوه بر ابعاد اقتصادی، دارای ابعاد جامعه‌شناختی و فرهنگی می‌باشند. به عبارت دیگر این پدیده‌ها را می‌توان همچون نهاد اجتماعی محسوب کرد که در تعامل با تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، ویژگی‌ها و مختصات آن‌ها تغییر می‌کند. در این بخش با تأکید بر آراء برخی نظریه‌پردازان همچون جاکوبی، گیبونز، بل، لیوتار و دراکر، دگرگونی‌های حرفه گرایی به‌عنوان یکی از تجلیات تحولات اجتماعی از نیمه قرن بیستم به بعد مرور می‌شوند.

گسترش حرفه‌ای شدن دانشگاهی[1] و افول کار روشنفکری

یکی از فرایندهای پس از جنگ جهانی دوم در غرب «افول روشنفکری» است (جاکوبی ۱۹۸۷). جاکوبی در جامعه معاصر یک حرکت مرگ‌آور به‌سوی «حرفه‌ای شدن» مشاهده می‌کند که هرچند زندگی و تفکر حرفه‌ای را رونق می‌بخشد ولی همزمان با آن فرهنگ وسیع‌تر

[1] -Academic Professionalization

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

به کساد می‌گراید و اهمیت نگرش فرهنگی عمومی‌تر کاهش پیدا می‌کند. نمونه‌ای از این «حرفه‌ای شدن» تبدیل روشنفکران حوزه عمومی[1] به دانشگاهیان حرفه‌ای است. به نظر جاکوبی در مقطع زمانی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در آمریکا شرایط روشنفکران تغییر می‌یابد و روشنفکران غیر وابسته و حاشیه‌نشین جای خود را به آکادمیسین‌ها و حرفه‌ای‌ها می‌دهند. در این مقطع تحت تأثیر مک‌کارتیسم و احساسات عمومی، روشنفکران به حاشیه رانده شده و فضای بسیار تنگی برای فعالیت آنان باقی می‌ماند. در این زمان طیف موضوعات قابل بحث، بسیار باریک می‌شود و دانشگاه‌های رو به رشد و ادارات دولتی به‌جای متفکرین و نویسندگان منتقد، متخصصین و تکنسین‌ها را استخدام می‌کنند. از سوی دیگر رشد اقتصادی آمریکا نیز تأثیرات خود را به‌جای می‌گذارد و «روشنفکران آمریکایی دل‌زده از کمونیسم و فرهنگ اروپایی، به‌تدریج جذب پول و مقام، امنیت و قدرت می‌شوند». برخی این روند را ناشی از عبور روشنفکران از وضعیت حاشیه آن‌ها و «بورژوائی شدن روشنفکران» بر اثر شکوفایی اقتصادی می‌دانند. حرفه‌ای شدن و تغییر رفتار روشنفکران عکس‌العملی در مقابل تحولات اقتصادی و اجتماعی بود. سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰ شاهد گشایش فراوانی در امکانات استخدامی دانشگاه‌ها بود. در این دوران، جمعیت آمریکا دو برابر شد ولی تعداد اساتید دانشگاه‌ها ده برابر افزایش یافت و کارکنان دانشگاه‌ها نیز از بیست هزار نفر به پانصد هزار نفر رسیدند. در سال‌های اولیهٔ قرن بیستم، آموزش و نویسندگی، دو دنیای کاملاً جداگانه محسوب می‌شدند ولی به‌تدریج نویسندگان مستقل در نقش اساتید دانشگاه و یا کارکنان رده بالای دولتی مشغول به کار شدند و از یک زندگی بی‌ثبات به سمت مشاغل با ثبات‌تر حرکت کردند. نویسندگان عمومی پیشین که برای به دست آوردن مخارج روزمره خود مجبور به تحویل به‌موقع نوشته‌های خود به ناشرین بودند به نویسندگان علمی یا اساتیدی با حقوق ثابت، تعطیلات تابستانی و بازنشستگی تبدیل شدند. به نظر جاکوبی امروزه تحولات شهری و صنعتی جدید، محیط‌زیست روشنفکران عمومی را دگرگون ساخته و بدین ترتیب نسل آنان را در خطر انقراض قرار داده است. نسل قدیمی روشنفکران عمومی در حال گذر است درحالی‌که نسل جدیدی جای آن را نمی‌گیرد. جکوبی این افول روشنفکری و یا حرفه‌ای شدن و پیوستن نویسندگان منتقد به سازمان‌های علمی را به‌مثابه یک تهدید برای فرهنگ عمومی

[1]- Public intellectual

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

تلقی می‌کند. درحالی‌که ریچارد پوسنر (۲۰۰۱) از شکل‌گیری یک نسل جدید به نام روشنفکران دانشگاهی[۱] سخن می‌گوید.

تغییر شرایط حرفه‌ای در جامعهٔ پسا صنعتی

دانیل بل مفهوم «جامعه پسا صنعتی» را برای توصیف ماهیت اقتصاد، سامان اجتماعی، فرهنگ و سیاست پس از جنگ دوم جهانی مورد استفاده قرار می‌دهد (بل ۱۹۷٦). به نظر بل جوامع پیشا صنعتی، صنعتی و پسا صنعتی به ترتیب عمدتاً مبتنی بر بخش‌های استخراجی[۲]، تولیدی[۳] پردازش[٤] می‌باشند. اقتصاد پردازش، ارتباطات راه دور و رایانه‌ها را برای مبادله‌ی اطلاعات و دانش مورد استفاده قرار می‌دهد. اگر جامعه صنعتی، بر پایه فناوری ماشینی استوار است، جامعه پسا صنعتی به‌وسیله فناوری فکری[۵] شکل‌گرفته است و اگر سرمایه و کار اصلی‌ترین مشخصه‌های ساختاری جامعه صنعتی است، اطلاعات و دانش اصلی‌ترین مشخصه‌های ساختاری جامعه پسا صنعتی می‌باشد. در این جامعه، دانش نظری به‌مثابه اساس جدید نوآوری تکنولوژی و اطلاعات و نقش آن در بازآفرینی روندهای اجتماعی از اهمیت راهبردی برخوردارند. ویژگی‌های جامعه پسا صنعتی بر سرشت حرفه‌ها و حرفه گرایی تأثیر خواهد داشت ازجمله تغییر در خصلت کار باعث می‌شود که «مسابقه بین اشخاص» در گروه‌های حرفه‌ای جایگزین مسابقه با طبیعت در جهان پیشا صنعتی و مسابقه با طبیعت مصنوع در جهان صنعتی شود. فرایندهای کار و زندگی روزمره در جامعه پسا صنعتی بیش از درگیری با طبیعت و مصنوعات با انسان‌ها درگیر است و به این دلیل آموختن همزیستی انسانی اهمیت پیدا می‌کند. در جامعه پسا صنعتی به‌منظور افزایش اثرگذاری سرمایه‌گذاری در دانش راهبردهای مبتنی بر همکاری و تعامل بیشتر از راهبردهای رقابتی اهمیت پیدا می‌کند و این دگرگونی در راهبردها سرعت انتشار و بهره‌گیری از دانش را افزایش می‌دهد.

---

۱ -Academic Intellectual

۲ -Extractive

۳- Fabricating

٤ -Processing

۵- Intellectual Technology

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

دو فرهنگی‌های حرفه‌ای‌ها در جامعهٔ دانایی

به نظر دراکر مفهوم رایج از «انسان فرهیخته[۱]» و «تحصیل‌کرده» در جامعه دانش متحول و دگرگون می‌شود و انسان فرهیخته همگام با تبدیل دانش و آگاهی به منبع کلیدی جامعه، با الزاماتی جدید، چالش‌هایی تازه و مسئولیت‌هایی جدید روبه‌رو می‌شود (۱۳۷٤:۳۸۸-۳۷۳).

در جامعه دانش‌مدار، تمامی علوم و معارف از ارزش برابر برخوردارند و تمامی دانش‌ها به نحوی مساوی به حقیقت رهنمون می‌شوند، اما مسئولیت تبدیل این علوم و معارف به «جاده‌ای به‌سوی دانایی» لامحاله بر عهده کسانی است که صاحبان این علوم و فنون می‌باشند و اینان مجتمعاً و متفقاً به «دانایی» اعتبار می‌بخشند. بدین ترتیب انسان فرهیخته در عین متخصص بودن باید دریافتی کلی از سایر دانش‌ها نیز داشته باشد. متخصصین باید مسئولیت شناساندن خویش و رشته تخصصی خود را به مردم عهده گیرند و بنابراین باید توانایی پل زدن بین دانش علمی و درک عمومی را داشته باشند. انسان فرهیخته موردنظر دراکر الزاماً باید به‌خوبی از عهده رعایت و توسعه دیگر فرهنگ‌ها و سنت‌ها برآید. او دقیقاً به همان اندازه که نیازمند «تجزیه‌وتحلیل» مسائل است محتاج «درک و فهمی پرورش‌یافته» نیز می‌باشد. به نظر دراکر جهان فردا نه تنها جهانی «غربی شده» بلکه به نحوی فزاینده جهانی «قبیله‌ای شده» نیز خواهد بود و انسان فرهیخته می‌بایست ازنظر دیدگاه، افق دید و گستره اطلاعات به شهروندی جهانی بدل گردد و بااین‌وجود او باید به رگ و ریشه بومی و قومی خود بازگردد و به نوبهٔ خود در هر چه غنی‌تر ساختن و توسعه فرهنگی بومی و محلی خود بکوشد. به نظر دراکر انسان فرهیخته درعین‌حال باید خود را برای کار و زندگی همزمان و توأمان در دو فرهنگ جداگانه یعنی فرهنگ روشنفکران و فرهنگ مدیران مهیا سازد. جامعه پس از سرمایه‌داری به توازن و تعادل بین این دو فرهنگ نیاز دارد. اگر دنیای روشنفکران با گُل وجود مدیران به توازن و تعادل نرسد، دنیایی می‌شود که در آن هرکسی ساز خود را می‌نوازد و هیچ‌کس نمی‌تواند به چیزی دست پیدا کند؛ اگر دنیای مدیران نیز دنیایی عاری از روشنفکران باشد، به «بوروکراسی بی‌خاصیتِ انسان سازمانی» تبدیل می‌گردد؛ ولی اگر روشنفکران و مدیران شریک یکدیگر باشند و در کارها به توازن و تعادل دست پیدا کنند، آنگاه می‌توان «خلاقیت و نظم» و «رسالت و عملکرد بهینه» را انتظار داشت. بدین ترتیب «انسان تحصیل‌کرده» موردنظر دراکر درعین‌حال

---

[۱]-Educated Person

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

حامل فرهنگ‌های دوگانه جهانی و محلی، روشنفکران و مدیران، تخصصی و فرا تخصصی، علمی و عمومی می‌باشد.

تغییر شیوه تولید دانش و تأثیر آن بر حرفه گرایی

دانشگاه‌ها به‌طور سنتی کانون تولید دانش محسوب می‌شدند اما اکنون نهادها، سازمان‌ها و مراکز جدیدی به‌عنوان کنشگران تازهٔ تولید دانش وارد صحنه شده‌اند. گیبونز و همکاران (۱۹۹٤) این تحول جدید را با مفهوم «شیوهٔ جدید تولید دانش» صورت‌بندی کرده و مهم‌ترین این دگرگونی را به شرح زیر بیان می‌کنند:

- انتقال تولید دانش از زمینه‌های دانشگاهی به زمینه‌های کاربرد[۱].
- توسعه دانشگاه‌های حساس به زمینه و محلی.
- دموکراتیزه شدن دانش، ایجاد جامعه یادگیرنده[۲]، توده‌ای شدن آموزش عالی و پژوهش، افزایش آگاهی‌های علمی عامه[۳].
- افزایش توزیع اجتماعی دانش[٤] یا گسترش فعالیت‌های مربوط به تولید، توزیع و مصرف دانش در بین گروه‌های گوناگون جنسیتی، سنی، طبقاتی و همچنین توزیع جغرافیایی و توزیع سازمانی در مکان‌ها و بخش‌های مختلف جامعه.
- بوروکراتیزه شدن فرایند مدیریت دانش از طریق برنامه‌ریزی، هماهنگی، هدایت و کنترل جریان‌های بی‌شمار دانش.
- برقراری ارتباط بین دانش‌های مختلف (در برابر کارکردهای سنتی آموزشی و پژوهشی و مشاوره) به‌عنوان رسالت جدید دانشگاه از طریق مطالعه‌ی جریانات دانش و کاربرد منابع مختلف دانایی برای افزایش فشار دانش ازجمله گسترش دانش میان‌رشته‌ای، چند رشته‌ای، فرارشته‌ای.

بر مبنای این تفکیک، می‌توان از دو نوع حرفه گرایی دانشگاهی و حرفه گرایی بازار سخن گفت؛ حرفه گرایی دانشگاهی بر مقولات علم برای علم، رابطه با همکاران، استقلال فکری و آزادی آکادمیک، مشروعیت و کنترل کیفیت درونی و حرفه گرایی بازار بر مقولات علم برای

---

۱ -Context of application

۲-Learning Society

۳ -Scientization of the Public

٤ -Social Distribution of Knowledge

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

بازار، رابطه با مشتری، توجه به نیازهای بازار و دولت، مشروعیت و کنترل کیفیت بیرونی تأکید دارد. در این شرایط از یک‌سو از چند پاره شدن دانش[۱] و از سوی دیگر از چالش با فرهنگ تخصصی[۲] سخن می‌رود. نویسندگانی چون لیوتار (۱۳۸۱) همچنین از کاهش باور به خنثی بودن علم و حرفه‌ها و همچنین کاهش مشروعیت درونی دانشگاه‌ها و حرفه‌ها با زوال روایت‌های کلان و تردید در نقش رهایی‌بخش آن‌ها سخن می‌گویند. گسترش «تولید اجتماعی دانش»[۳]، در برابر تولید حرفه‌ای دانش، دریافت از دانشگاه به‌مثابه «برج‌عاج» و تلقی از حرفه‌ها به‌عنوان تعیین‌کنندگان انحصاری حقیقت، نیز با ورود کنشگران اجتماعی متکثر در فرایندهای تعریف مسائل و تعیین راه‌حل‌ها موجب شده‌اند تا معنای حقیقت در فرایندهای تعامل بین این کنشگران جدید و در شرایط مجادله پذیری ذاتی شکل پیدا کند.

سه تفسیر جامعه‌شناختی از حرفه گرایی

اوتز (۲۰۰۳؛۲۰۰۶ الف؛۲۰۰۶ ب) دو تفسیر جامعه‌شناختی از حرفه گرایی، به‌عنوان نظام ارزشی هنجاری[٤] و به‌مثابه ایدئولوژی گروه‌های شغلی را در برابر همدیگر قرار می‌دهد. حرفه گرایی به‌عنوان نظام ارزشی درباره نقش مثبت مفهوم در یک نظم اجتماعی هنجاری خوش‌بین است. ولی حرفه گرایی به‌عنوان ایدئولوژی به شیوه‌ای منفی‌تر بر این مقوله به‌عنوان یک نظام اعتقادی هژمونیک و سازوکار کنترل اجتماعی برای کارکنان حرفه‌ای تأکید دارد. خود کارکنان حرفه‌ای در روابط خود با مراجعین، هویت‌های شغلی خود و رفتارهای کاری‌شان، گفتمان هنجاری را ترجیح می‌دهند و به کار می‌گیرند. سومین تفسیر با نام حرفه گرایی جدید، در دهه ۱۹۹۰ توسعه می‌یابد که هر دو عنصر هنجاری و ایدئولوژیک را در برمی‌گیرد. این مفهوم اخیر به جامعه‌شناسان در شناخت دگرگونی‌های شغلی و سازمانی و غلبه کار دانش[۵] در نظام‌های اجتماعی مختلف و اقتصادهای جهانی کمک می‌کند.

---

۱ -Fragmentation of Knowledge

۲- Culture of expert

۳ -Social Production of Knowledge

٤-Normative value system

۵ -Knowledge work

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

حرفه گرایی به‌عنوان نظام ارزشی

جامعه شناسان اوایل قرن پیشین همچون دورکیم، تاونی[۱]، مارشال، ساندرز و ویلسون حرفه گرایی را به‌عنوان شکلی از اجتماع اخلاقی مبتنی بر عضویت شغلی ارزیابی می‌کردند و آن را نیرویی می‌دانستند که قادر است فردگرایی افراطی را تسلیم نیازهای اجتماع سازد. ازنظر آنان، حرفه گرایی نیرویی برای ثبات و آزادی در برابر تهدید تعدیات دیوان سالاری‌های صنعتی و دولتی فراهم می‌سازد و نوع‌دوستی[۲] یا سوگیری خدمت‌رسانی[۳] حرفه گرایی، جوامع را در برابر تهدیدات فرایندهای دموکراتیک ثابت محافظت می‌کند. به نظر پارسنز، اقتصاد سرمایه‌داری، نظم اجتماعی عقلانی- قانونی و حرفه‌های مدرن همگی به‌طور متقابل به هم‌پیوستگی دارند و به‌طور متقابل در حفظ و ثبات یک نظم اجتماعی هنجاری شکننده مشارکت دارند. اقتدار حرفه‌ها و اقتدار سازمان‌های دیوان‌سالار، هر دو به اصول یکسانی- برای مثال ویژگی کارکردی، محدودیت حوزه قدرت، کاربرد دیدگاه عام‌گرایانه و معیارهای غیرشخصی- اتکا دارند.

باوجود این حرفه‌ها در مقایسه با سازمان‌های دیوان‌سالار، به‌وسیله سازمان همکارانه[٤] و هویت مشترک، رویکرد جایگزینی را به هدف هنجاری مشترک نشان می‌دهند. فریدسون (۱۹۹٤؛۲۰۰۱) نیز متأثر از این تحلیل، حرفه گرایی را به‌عنوان یک منطق سوم در مقابل منطق‌های بازار و سازمان می‌داند. بر اساس این مطالعات، حرفه گرایی بر اهمیت اعتماد در مناسبات اقتصادی در جوامع مدرن و دارای تقسیم‌کار پیشرفته دلالت می‌کند. این تلقی از حرفه گرایی به دلیل پیوند آن با کارکردگرایی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مورد ارزیابی انتقادی قرار گرفت و در عوض تصویری از حرفه‌ها به‌عنوان تبانی‌های نخبگان شغلی قدرتمند ارائه گردید.

---

[۱] -Tawny

[۲]-Altruism

[۳]- Service Orientation

[٤]-Collegial Organization

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

حرفه گرایی به‌مثابه ایدئولوژی

ادبیات پژوهشی نو وبری[۱] دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در حملات انتقادی خود به حرفه‌ها، در مفهوم حرفه گرایی به‌مثابه روابط اعتماد تردید کردند و آن را یک ایدئولوژی موفقیت‌آمیز برای گروه‌های شغلی و با هدف رقابت برای پایگاه و درآمد دانستند. هدف کارگزاران مشاغل مختلف کنترل بازار و ایجاد انحصار بود تا منافع شخصی خود را برحسب دستمزد، قدرت و پایگاه افزایش دهند. نظریه‌پردازان انتقادی چون لارسن، جانسون و ابوت، حرفه‌ها را به‌مثابه توطئه‌های گروه‌های شغلی قدرتمند برای کسب «حق اِعمال قانونی قدرت و نظارت» محسوب کردند. این نظریه‌پردازان تمرکز مفهومی خود را از حرفه گرایی و روابط اعتماد و حرفه تغییر دادند و به‌جای آن بر فرایند حرفه‌ای شدن[۲] و فرایندهای تاریخی و معاصر کنترل بازار، رقابت شغلی، تعارض و تسلط تأکید کردند. در این دیدگاه به‌جای حرفه گرایی باید از «طرح حرفه‌ای»[۳] سخن گفت که به معنای جستجوی انحصار در بازار برای خدمات معین، جستجوی پایگاه و تحرک صعودی در نظام اجتماعی است.

حرفه گرایی جدید[٤]

حرفه گرایی جدید به معنای خاص عبارت است از تلاش برای یکپارچه کردن کردار حرفه‌ای مستقل با مدیریت و ارزیابی کنترل کیفیت از طریق ادغام فرایندهای مرور همتایان[٥] در سازمان‌های کاری (سونسون ۲۰۰٦). در حرفه گرایی قدیم با حاکمیت خودتنظیمی‌اش، کردار هنجاری توسط اهالی حرفه تعیین و اعمال می‌شد ولی حرفه گرایی جدید می‌کوشد برای تأمین علایق مشتریان و مراجعین نوع جدیدی از هنجارمندی را در پیوند با الزامات بازاری شدن[٦] و مدیریت‌گرایی[۷] گسترش دهد. هدف از حرفه گرایی جدید گسترش اعتماد به سازمان‌های کاری به‌جای اعتماد انحصاری به حرفه‌ای‌ها است.

---

۱ -Neo-weberian

۲-Professionalization

۳-Professional Project

٤-New Professionalism

٥ -Peer review

٦ -Marketization

۷ -Managerialism

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

به نظر فورنیه (۱۹۹۹) گفتمان حرفه گرایی جدید یک منطق انضباطی است که کردارهای حرفه‌ای «مستقل» در درون یک شبکه مسئولیت‌پذیری را شکل می‌دهد. ازنظر اوتز (۲۰۰٦ الف) نیز مفهوم حرفه گرایی اخیر به مشابه یک ارزش هنجاری در فرایند جامعه‌پذیری کارکنان جدید، در حفظ و افزایش پیش‌بینی پذیری نظم اجتماعی هنجاری در کار و مشاغل و در نگهداری و ثبات بخشی یک نظم هنجاری شکننده در دولت و بازار باز تفسیر می‌شود. او کاربرد گفتمان حرفه گرایی در کار و سازمان‌ها را با مفاهیم مورد استفاده فوکو همچون مشروعیت، هنجارسازی و کنترل سوژه‌های مستقل، تحلیل می‌کند. به نظر اوتز طرح حرفه گرایی یک گفتمان دگرگونی و یک سازوکار مؤثر کنترل اجتماعی در سطوح خرد و کلان است و اغلب جایگزینی ارزش‌های سازمانی و کنترل‌های بوروکراتیک به‌جای ارزش‌های حرفه‌ای و مناسبات همکارانه[۱] را شامل می‌شود.

فریدسون (۱۹۹٤؛۲۰۰۱) سه منطق مختلف برای سازمان‌دهی کار و کارکنان در جوامع معاصر را از همدیگر تفکیک می‌کند؛ بازار، سازمان و حرفه. به نظر فریدسون حرفه گرایی به دلیل پیوند با اعتماد و نقش مثبت آن برای مشتریان و مراجعین و نیز برای نظام‌های اجتماعی دارای ارزش و اهمیت مستمری است. حرفه گرایی یک‌شکل بی‌همتای کنترل شغلی کار است که مزایای متمایزی نسبت به بازار یا اشکال سازمانی و حرفه‌ای کنترل دارد. اوتز (۲۰۰٤؛۲۰۰۵) حرفه گرایی سازمانی را از حرفه گرایی شغلی تمایز می‌بخشد. حرفه گرایی سازمانی یک گفتمان کنترل است که به‌طور فزاینده‌ای به‌وسیله مدیران در سازمان‌های کاری به کار می‌رود؛ اما حرفه گرایی شغلی همان صورت تاریخی‌تر و سنتی‌تر حرفه گرایی است که در درون گروه‌های حرفه‌ای برساخته می‌شود و تصمیم‌گیری تشخیصی[۲] در موارد پیچیده، اقتدار همکارانه[۳]، کنترل حرفه‌ای کار را در برمی‌گیرد و بر اساس اعتماد مراجعین و کارفرمایان به فرد حرفه‌ای قرار دارد. حرفه گرایی شغلی به‌وسیله خود کارگزاران کنترل می‌شود و مبتنی بر آموزش مشترک، فرایند قوی جامعه‌پذیری، فرهنگ کار و هویت شغلی و قواعد اخلاقی که به‌وسیله نهادها و انجمن‌های حرفه‌ای پایش می‌شوند، می‌باشد.

---

[۱]-Collegial relations

[۲] -Discretionary decision-making

[۳]-Collegial authority

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

سیاست حرفه گرایی[۱]

هارگرویز (۱۹۹۹) چهار مرحله تاریخی را در سرشت در حال تغییر حرفه گرایی معلمان تعیین می‌کند. در دوره پیشا حرفه گرایی[۲]، آموزش به‌عنوان یک مهارت و فن وابسته به معرفت عمومی و عقل سلیم تلقی می‌شد. ویژگی دومین دوره یعنی استقلال حرفه‌ای[۳] ادعای معلمان در مورد تخصص حرفه‌ای و حق مفروض آنان برای استقلال بود. دوره حرفه گرایی همکارانه[٤]، تلاش‌های گوناگونی را برای ساختن فرهنگ‌های حرفه‌ایِ تشریک مساعی و همکاری[٥] به‌منظور یادگیری در برمی‌گیرد. دوره پسا حرفه‌ای[٦] کنونی نیز درگیر یک تعارض بین نیروهای قدرتمند حرفه‌زدایی[۷] و باز حرفه‌ای شدن[۸] برای بازتعریف حرفه گرایی معلمان به شیوه‌های انعطاف‌پذیر و دارای سرشت یکپارچه می‌باشد. در این دوره سیاست‌های کاری متأثر از بازار و ساختارهای مدیریتی جدید به غیرحرفه‌ای ساختن/ حرفه‌زدایی می‌انجامد و درعین‌حال بر اثر نقش فعال کارکنان در واکنش به / بازسازی متون سیاست‌گذاری و کردارهای مدیریتی می‌توان رگه‌های باز حرفه‌ای شدن را مشاهده کرد.

در این دوره پساحرفه‌ای گرایی، به قول مک‌کلوچ و همکاران (۲۰۰۰) می‌توان از سیاست حرفه گرایی سخن گفت که از تعامل کنش‌های دولت و واکنش‌های کارکنان به آن‌ها و شیوه‌های عرضه خویش به عموم مردم ناشی می‌شود. کارکنان می‌کوشند با عاملیت بیشتر در تعیین این سیاست حرفه گرایی، احترام، پایگاه و اعتماد به خود را در بخش‌های دولتی و اجتماعی بازسازی کنند. مدل‌های زیر برخی از انواع سیاست حرفه گرایی را نشان می‌دهند:

مدل بوم‌شناختی حرفه گرایی[۹]: بوتری و رایت (۲۰۰۰) از «جهت‌گیری بو مشناختی» به‌عنوان رویکردی کلی برای شناخت رخدادها و دگرگونی‌های جامعه و درک تأثیر نیروهای وسیع‌تر بر

۱- Politics of Professionalism

۲- The age of pre-professionalism

۳ -professional autonomy The age of

٤- The age of the collegial professionalism

٥ -Collegiality

٦-The post – professional

۷-Deprofessionalisation

۸ -Reprofessionalisation

۹ -The ecological model of professionalism

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

عملکرد حرفه‌ای سخن می‌گویند. جهت‌گیری بو مشناختی به صاحبان کار کمک می‌کند تا خود را به‌عنوان یک حرفهٔ حساس به زمینه[۱] و به‌منظور بازیابی احترام جامعه به‌طور مستمر بازسازی کنند. مدل بوم‌شناختی حرفه گرایی، افراد حرفه‌ای را به واکنش‌های جمعی به بی‌عدالتی و فساد جامعه و ازجمله غلبه اقتصادیات بر شکل‌گیری سیاست‌ها فرامی‌خواند.

حرفه گرایی دگرگون ساز[۲]: در این الگو، نقش حرفه‌ای‌ها از نقش شغلی محدودشان فراتر می‌رود و یک طرح سیاسی[۳] وسیع‌تر را در برمی‌گیرد که نیازمند کنش جمعی و همکارانه است. هدف حرفه گرایی دگرگون ساز نه کنترل شغلی بلکه دگرگونی شغلی از طریق دگرگونی مثبت مناسبات بین حرفه‌ای‌ها، دیوانسالاری‌ها، ذینفعان و اجتماع می‌باشد (ساچز ۱۹۹۸).

حرفه گرایی دموکراتیک[٤]: حرفه گرایی مدیریتی[٥] به‌عنوان یک ایدئولوژی مبتنی بر بازار، فنی و عقلانی و با توجه به اصل اجراوارگی[٦] به مقولاتی چون محاسبه‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، اقتصاد، کار آیی و اثربخشی توجه دارد و آموزشگران را به‌عنوان حمایتگران و مجریان تعلیم و تربیت کارکردی[۷] و منطبق با نیازهای دنیای کار تلقی می‌کند؛ اما حرفه گرایی دموکراتیک در زمینه آموزش بر همکاری، تشریک مساعی، مذاکره، مشارکت و ساختن پیوندهای ارتباط بین آموزشگران و سایر ذینفعان آموزشی با هدف دگرگون ساختن مناسبات سنتی قدرت تأکید دارد و به دنبال اشکال جدید رابطه متقابل بین آموزشگران، دانشگاهیان و سایر ذینفعان آموزش می‌باشد. حرفه گرایی دموکراتیک با حرفه گرایی فعالیت‌گرا[۸] ارتباط دارد. حرفه گرایی فعالیت‌گرا بین کار آموزشگران و مسئولیت‌های وسیع‌تر اجتماعی و مدنی آنان، از قبیل درگیری در کردارهای شغلی که ازنظر اخلاقی معطوف به تحقق اهداف اجتماعی می‌باشد، پیوند برقرار می‌کند (ساچز ۲۰۰۱؛۲۰۰۳).

۱- Context-sensitivity

۲- Transformation professionalism

۳ -Political project

٤ -Democratic professionalism

٥- Managerial professionalism

٦ -Perfomativity

۷-Functional Education

۸ -Activist professionalism

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

حرفه گرایی مدنی[۱]: در این رویکرد دانشمندان مدنی[۲] یا حرفه‌ای‌های مدنی می‌کوشند با مردم برای مثال از طریق باشگاه‌های محلی و روزنامه‌ها صحبت کنند و در اجتماعات محلی و جامعهٔ وسیع‌تر حضور پیدا کنند و به‌جای تک‌گویی تلاش می‌کنند هم بشنوند و هم‌سخن بگویند. حرفه‌های مدنی به اهداف، ترجیحات و اولویت‌های مردم توجه دارند و معتقدند که حرفه‌های آنان چیزی بیش از راه‌حل‌های فنی برای عرضه دارند. آنان به‌جای آگاه کردن مردم و واداشتن آنان به تجلیل از دانش و حرفهٔ خود، می‌کوشند بر مبنای یک مدل دوطرفه خط راه‌آهن[۳] و ارتباط سازمان‌یافته بین گروه‌های شهروندان و متخصصان، توانایی‌های ارتباطی و کنشگری خود را توسعه دهند. هدف دانشمند فعالیت‌گرا[٤]، کاربرد دانش خود در فرایند همکاری و ارتباط با مردم به‌منظور تغییر در عرصه عمومی است. طرح ایده‌هایی چون «علم/ حرفه برای مردم»[۵] و تشکیل گروه‌هایی با همین عنوان در برخی از کشورها، و تمرکز بر اهداف انسانی، مبارزه با سوءاستفاده از دانش‌های علمی و حرفه‌ای برای مقاصد نظامی و سرکوب و بالاخره تلاش برای کاربرد ظرفیت‌های حرفه‌ای برای توسعه اهداف اجتماعی از دلایل رشد فعالیت علمی و حرفه‌ای جدید می‌باشد (مقایسه کنید با:دلانتی ۱۳۸٦).

مدل چهاروجهی حرفه گرایی

مایکل بورُوی، انواع مختلف جامعه‌شناسی حرفه‌ای، انتقادی، سیاستی و حوزه عمومی (مردم مدار) را از همدیگر تفکیک و ویژگی‌ها و نقاط ضعف و قوت هر یک از این کردارهای جامعه‌شناختی را مطرح می‌کند. او، باوجود این تمایز بخشی، بر لزوم تعامل و ارتباط این چهار نوع دانش جامعه‌شناختی تأکید دارد (بورُوی ۱۳۸٦). در این بخش با الهام از بورُوی و کاربرد مدل‌های چهارگانه جامعه‌شناسی برای فهم تنوع رفتارهای حرفه‌ای، انواع حرفه گرایی‌ها از همدیگر تفکیک و ویژگی‌های آن‌ها بیان می‌شود. هدف نهایی این بخش طرح یک مدل

۱- Civic professional / professionalism

۲- Civic Scientists

۳ -Two-track model

٤- Scientist/professional activist

۵- Science/profession for the people

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

چهاروجهی حرفه گرایی است که جنبه‌های متناسب انواع حرفـه گرایـی را بـا همـدیگر پیونـد می‌دهد.

حرفه گرایی ناب

حرفه گرایی ناب بر صلاحیت انحصاری اهالی حرفه و دانش برای رهایی بخشی مردم-کسانی که به درمان، آگاهی بخشی و تنویر نیاز دارند- تأکید می‌کند. این رویکرد سنتی از ارتباط حرفه‌ای‌ها با مردم در انواع مدل‌های کلاسیک، تخصصی، تعلیمی، بالا به پایین، خطی و تک جهته[۱] دیده می‌شود. اطلاعات علمی و دانش تخصصی اهالی حرفه بر اساس مدل انتشار[۲] و در شرایط تک‌صدایی[۳] از طریق نظام آموزشی رسمی، وسایل ارتباط‌جمعی و یا مناسبات رویارو به عامهٔ منفعل[٤] منتقل می‌شود. در این مدل شهروندان عموماً به‌عنوان ظرف‌های خالی که باید پر شوند تلقی می‌شوند. این مدل را می‌توان مدل کمبود[٥] نامید که بر اساس آن عامهٔ مردم باید از طریق ارتباط با دانشمندان و اهل حرفه، کسری‌های خود را جبران کنند. در این مدل، رسانه‌ها با ساده‌سازی اطلاعات، وظیفه‌ی اشاعه یا عمومی کردن اکتشافات و دستاوردهای علمی را به عهده دارند. به نظر منتقدین مدل کمبود، رویکرد پدر مآبانه نهفته در این مدل به احساس غریبگی، بی‌اعتمادی یا حتی ضدیّت روزافزون عامه مردم نسبت به علم می‌انجامد (وینه ۱۹۹۱،۱۹۹۲،۲۰۰۲؛ اروین و وینه ۱۹۹٦؛ مایکل ۱۹۹٦).

حرفه گرایی انتقادی

حرفه گرایی انتقادی، صحت و سقم مفـاهیم، فرضـیه‌هـای هنجـاری و توصـیفی و کردارهـای حرفه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهد. حرفه گرایی انتقادی می‌کوشد تا توجه اهل حرفـه را بـه مواردی معطوف کند که نادیده گرفته شده‌اند. حرفه گرایی انتقادی به شکل‌گیـری برنامـه‌هـای پژوهشی و اجرایی بدیل کمک می‌کند و درواقع وجدان بیدار حرفه است. حرفه گرایی انتقادی دو سؤال بسیار مهم را مطرح می‌کند: چرا؟ و برای چه کسی؟ به عبارت دیگر این سؤال وجـود دارد که حرفه‌ای‌ها به چه دلیل و برای چه کسانی حرفه‌ی خـود را در پـیش گرفتـه‌انـد. حرفـه

۱-Classic,expert,pedagogical,top-dowm,linear,one-directional model

۲-Diffusion mode

۳-Monolithic

٤ -Passive

٥-Deficit model

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

گرایی انتقادی می‌کوشد که نقش حرفه را از دلایل ابزاری همچون تولید ثروت و قدرت و یا خدمات به گروه‌ها و طبقات مسلط، به دلایل ارزشی و انسانی معطوف کند.

حرفه گرایی بازار و حرفه گرایی سیاستی

هدف این نوع از حرفه گرایی مشارکت در تولید کالایی و یا تولید اطلاعات از طریق کار در بازار (عمدتاً بخش خصوصی) و یا انجام پژوهش و مشاوره سیاستی با هدف بهبود بخشیدن به کیفیت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی (عمدتاً در بخش عمومی) است. این نوع حرفه گرایی گاه در معرض این اتهام قرار دارد که رسالت دانش را فراموش کرده و تنها به تقویت اهداف تکنوبوروکراسی و پیشبرد ماشین اقتصاد سیاسی می‌پردازد.

حرفه گرایی حوزه عمومی

حرفه گرایی حوزه عمومی یا مردم مدار که به مدل درگیری، گفتگو و مشارکت نیز شهرت یافته، مشارکت و گفتگو و تعامل همه طرف‌های درگیر در علم ازجمله دانشمندان، سرمایه‌گذاران، عامه مردم، روزنامه‌نگاران علم، مدیران، سیاست‌گذاران و ... را در دستور کار قرار می‌دهد. در این مدل تعاملی، برخلاف مدل انتشار در حرفه گرایی ناب، حرفه‌ای‌ها به‌جای انتقال یک‌سویه دانش به مردم در یک گفتگوی گسترده با آنان درگیر می‌شوند و یک ارتباط حلقه‌ای و تعاملی را شکل می‌بخشند. مدل درگیری در علم از تعهد به دمکراتیزه کردن علم، یعنی کاهش کنترل انحصاری علم توسط سیاستمداران و دانشمندان و افزایش مشارکت گروه‌های اجتماعی و کنشگران حوزه عمومی از طریق گسترش برخی شکل‌های توانمندسازی و درگیری عمومی ناشی شده است (دیکسون ۲۰۰۰؛ لونشتاین ۲۰۰۳؛ پیترلی ۲۰۰۳؛ بائر، آلوم و میلر ۲۰۰۷). حرفه گرایی حوزه عمومی، صاحبان حرفه را از عقل منفصل به عقل متصل و نقاد جامعه تبدیل می‌کند. حرفه گرایی دانشگاهی، به‌ویژه در علوم اجتماعی، پس از سال‌ها تلاش برای ترجمه درک عرفی/ عامه به علم در پی آن است تا علم را به زبان عرفی/ عامه ترجمه کند و دانش خود را به میان کسانی ببرد که آن را از ایشان وام گرفته است. رشته‌های علوم اجتماعی بدین‌وسیله سعی می‌کنند که مشکلات شخصی افراد را به مسائل عمومی تبدیل کنند و برای دانش خود از نو تاروپودی اخلاقی ببافند. توجه و تأکید بر حرفه گرایی مردم مدار درواقع تا حدی واکنش به خصوصی‌سازی همه چیز است. پویایی حرفه گرایی مردم مدار

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

منوط به احیاء ایده «مردم و خیر همگانی» است ایده‌ای که یکی از قربانیان طوفان توسعه و پیشرفت است.

حرفه گرایی مردم مدار ازجمله با نوشتن مطلب در نشریات عمومی و اظهارنظر در مورد مسائل عمومی، دانش را در گفت‌وگویی دوجانبه با گروه‌های مردم قرار می‌دهد. جامعه‌شناسانی که از طریق رسانه‌ها با گروه‌های ناشناخته مردم سخن می‌گویند و یا با جنبش کارگری، انجمن‌های محلی، جمعیت‌های مذهبی، گروه‌های حامی حقوق مهاجران و یا حامی حقوق بشر کار می‌کنند، حرفه‌گرایان مردم مدار می‌باشند.

تعامل بین ابعاد چهارگانه حرفه گرایی معاصر

به نظر بوروی بین انواع حرفه گرایی نوعی وابستگی متقابل و همبستگی ارگانیک وجود دارد که در آن هر یک از انواع حرفه گرایی انرژی، معنا و بینش خود را از اتصال به انواع دیگر می‌گیرد. حرفه گرایی معاصر برای بقای خود نیاز دارد که به‌طور مستمر از طریق مسائلی که حرفه‌گرایی‌های مردم مدار و انتقادی مطرح می‌کنند به چالش کشیده شود. با این حال حفظ ارتباط بین انواع حرفه گرایی آسان نیست چرا که هر یک از آن‌ها بر اصول متمایزی بنا شده است و به این دلیل گاه بین این چهار نوع حرفه گرایی، به‌جای تعامل و تبادل دیدگاه، تنش وجود دارد. انواع حرفه گرایی چهارگانه هم به لحاظ رویکردی و هم به لحاظ کارکردی با هم تفاوت دارند. معرفتی که حرفه گرایی ناب تولید می‌کند به کار توسعه برنامه‌های پژوهشی می‌آید و متفاوت از معرفت ملموسی است که حرفه گرایی سیاستی دنبال می‌کند. آن معرفتی که از دل گفت‌وگوی بین حرفه‌گرایان مردم مدار و گروه‌های مردم حاصل می‌شود، هم از معرفت شالوده گرایانه حرفه گرایی انتقادی و هم از آن دو دیگر، متفاوت است. هر یک از این حرفه‌گرایی‌ها حقیقت را به‌گونه‌ای متفاوت تعریف می‌کند: نظریه‌های متناظر با دنیای تجربی؛ نظریه‌های کاربردی و مفید؛ مبنای هنجاری حقیقت؛ وفاق بین حرفه‌ای‌ها و مردم. هر یک از این انواع چهارگانه نیز مشروعیت خود را از منابع متفاوت هنجارهای علمی، کارآمدی، توسل به رویکردهای اخلاقی، ربط با زندگی مردم، دریافت می‌کنند. هر یک از انواع حرفه گرایی در برابر گروه‌های گوناگون پاسخگو هستند: حرفه گرایی ناب خود را در برابر جوامع علمی/حرفه‌ای و همکارانشان پاسخگو می‌دانند درحالی‌که حرفه گرایی سیاستی پاسخگوی نیازها و خواسته‌های کارفرمای خویش است. حرفه گرایی مردم مدار در برابر گروه‌های مردمی و حرفه‌گرایان انتقادی در برابر روشنفکران انتقادی، خود را پاسخگو می‌دانند. حرفه‌گرایی‌های

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

مزبور ممکن است شکلی آسیب‌گون به خود بگیرند. حرفه گرایی ناب که تنها با جمع کوچکی از همکاران سخن می‌گوید به آسانی به انزوا کشیده می‌شود و بر مسائلی متمرکز شود که هیچ ربطی به زندگی مردم ندارند. حرفه گرایی سیاستی نیز می‌تواند تابع دستورات کارفرمای خود شود و حالتی «بله‌قربان‌گو» پیدا کند. حرفه‌گرایان انتقادی ممکن است به‌صورت یک فرقه حول امری جزمی جمع شوند و ارتباط خود را با سایر انواع حرفه گرایی از دست بدهند. حرفه‌گرایان مردم مدار نیز ممکن است برای کسب شهرت و مقبولیت، تعهدات حرفه‌ای و انتقادی خود را زیر پا بگذارند. خطر دیگر حرفه گرایی مردم مدار پیدا کردن شکلی قیم مآبانه و رویکرد تحقیرآمیز نسبت به مردم است (بوروی ۱۳۸٦).

انواع حرفه گرایی، به دلیل این تفاوت‌ها، گاه در مقابل همدیگر قرار می‌گیرند؛ برای مثال حرفه گرایی انتقادی خود را در تقابل با حرفه گرایی محض (جریان غالب حرفه گرایی) و حرفه گرایی سیاستی تعریف می‌کند. حرفه گرایی سیاستی نیز به حرفه گرایی انتقادی تاخته و آن را به دلیل سیاسی کردن حرفه مورد نقد قرار می‌دهد. حرفه‌گرایان سنتی نسبت به توجه به حوزه عمومی تردید دارند و نگران هستند که درگیری آنان با دیدگاه‌های گروه‌های مردم، جایگاه علمی حرفه را تضعیف و منابع مادی‌ای را که در اختیار حرفه قرار می‌گیرد، تحدید کند. حرفه گرایی انتقادی ممکن است موی دماغ حرفه گرایی ناب شود اما با این حال ضروری است چون حرفه‌ای‌ها را مجبور می‌کند که دائماً فرضیات و کردارشان را بسنجند و اصلاح کنند.

حرفه‌گرایی‌های سیاستی و حوزه عمومی باوجود اختلاف در نوع دانش کاربردی- ابزاری و بازاندیشی- از حیث نیاز به توانایی‌های ارتباطی با همدیگر شباهت دارند. حرفه‌گرایان سیاستی و حوزه عمومی نیازمند مهارت‌های ارتباطی برای کار و گفت‌وگو با سیاست‌گذاران و گروه‌های متفاوت مردم می‌باشند و به کارکرد یکپارچه کننده[۱] حرفه‌ها توجه دارند. در این معنا هدف فعالیت حرفه‌ای تنها انجام دادن کارها نیست، بلکه انجام فعالیت‌های حرفه‌ای در تعامل و گفت‌وگو با گروه‌های غیرحرفه‌ای است که امروزه نقش زیادی در تصمیم‌گیری‌های حرفه‌ای پیدا کرده‌اند. بدین ترتیب حرفه‌ها، وظایف خود را با فرایندهای اجتماعی پیوند می‌دهند و در این میان سیاست و جامعه را نیز سامان و انسجام می‌بخشند. هرگاه فعالیت‌های حرفه‌ای تنها

[۱]- Integrating function

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

معطوف به ارائهٔ دانش و داوری کارشناسی[۱] از طریق کاربرد محاسبات، برآوردها، فنون تحلیلی و رویه‌های روشمند و منتظم باشد، جامعه را در خطر بحران‌های متعدد و سامان جمعی و سیاستی را در معرض انحطاط تکنوکراسی و از خود بیگانگی قرار می‌دهد. یکی از کارکردهای اعمال دانش حرفه‌ای باید تشویق و ترویج مناظره عمومی در بین حرفه‌ای‌ها، سیاست‌گذاران و توده‌های مردم درباره مسائل و مشکلات اجتماعی باشد. این شیوه برخورد با مقولات حرفه‌ای بیانگر تفاوت روش‌های مبتنی بر ارتباطات[۲] با روش‌های مبتنی بر محاسبه[۳] می‌باشد. تصمیم جمعی از طریق ارتباط افراد و گروه‌های متفاوت در فرایند مباحثه حاصل می‌شود که دست‌یابی کارا به اهداف را با رویهٔ دموکراتیک پیوند می‌دهد.

نتیجه‌گیری و راهبرد

ضرورت‌های جدید همچون جهانی‌شدن اقتصادی بازارها، چالش‌ها و نیازهای بازار کار، شکل‌گیری اقتصاد دانش‌محور، افزایش عدم اشتغال جوانان و دانش‌آموختگان و رشد اقتصاد پسا فوردی به گسترش نوعی شکل‌گرایی جدید[٤] انجامیده است. این شکل‌گرایی جدید، آموزش را با تهدید گسترش رویه‌های مکانیکی، فایده‌گرایی و کمیت گرایی صرف و دانش‌آموختگان را نیز با تهدید گسترش رویکردهای غیر انتقادی، تک ساحتی و تکنسین مآبی مواجه ساخته است که نتیجه آن فراموش کردن علم و حرفه به‌مثابه مجموعه‌ای از ارزش‌های شخصی، میان شخصی، اجتماعی و سیاسی است. این نگرانی وجود دارد که همه انواع دو فرهنگی‌ها به نفع «تک فرهنگ علم و شغل» نادیده گرفته شود.

در سال‌های اخیر حرفه‌های اجتماعی به شیوه خاص خود در حال سیاسی شدن و اخلاقی شدن می‌باشند. پیش از این بین حرفه‌های سیاست و حرفه‌های دانش تمایز برقرار می‌شد و حدومرز مردم و متخصصین نیز آشکار بود، اما در جامعه دانش‌محور، این مرزها نفوذپذیر می‌شوند و قلمروی مسئولیت حرفه‌ای‌ها از همکاران خود فراتر می‌رود و عرصه‌های سیاسی و اخلاقی را نیز در برمی‌گیرد. قلمروهای سیاست و اخلاق هرچند دارای منطق متمایز خود

---

[۱] -Expert knowledge/judgment

[۲]- Communication

[۳]-Calculation

[٤]-New Vocationalism

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

می‌باشند ولی دانشگاهیان، کارکنان دانش و حرفه گرایان جدید می‌کوشند در تعامل با مدیران و دستگاه‌های اجرائی و از سوی دیگر از طریق تعامل و تبادل‌نظر با گروه‌های مختلف مردم برای مسائل سیاسی و اخلاقی پاسخ‌های معرفتی پیدا کند. علم نیز در شرایط معاصر به یک معنا سیاسی شده است و دانشمندان به کنشگران اجتماعی تبدیل شده‌اند. آنان تلاش می‌کنند بین علایق شناختی خود و علایق عمومی در باب مقولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط برقرار کنند و با سایر کنشگران اجتماعی به گفت‌وگو بپردازند. مباحث عمومی به درون دانشگاه‌ها رسوخ پیدا کرده است و دانشگاهیان تلاش می‌کنند این مباحث را به‌گونه‌ای علمی و پژوهشی، پردازش کنند. سیاست‌گذاران آموزش عالی به این نتیجه رسیده‌اند که موضوع صحبت در دانشگاه و بیرون از دانشگاه باید یکی باشد اما دانشگاه‌ها باید تمایز خود را در نحوه پردازش موضوعات نشان دهند.

در بخش زیادی از قرن بیستم، دانشگاه‌های غربی برای آسودگی از فشار سیاست و جامعه، یک دیدگاه نخبه‌گرایانه و انعزال از جامعه را در پیش گرفتند، حاصل این تلاش از یک‌سو کاهش فشارها و از سوی دیگر تنزل توانایی دانشگاه‌ها برای ارتباط با مسائل و نیازهای سیاستی و اجتماعی بود. به این دلیل در دو دههٔ اخیر دانشگاه‌ها، بدون این‌که از دفاع از ویژگی‌های حرفه‌ای خود کنار بکشند، ارتباط خود با جامعه را تقویت کرده‌اند. اندیشه‌های رادیکال دانشگاهی/روشنفکری نیز در شرایط کنونی از گفتمان دگرگونی بنیادی به گفتمان نقد پناه برده‌اند و به‌جای اندیشیدن به تصاحب قدرت تمایل دارند نفوذ اجتماعی و سیاستی خود را افزایش دهند. اهالی دانش و حرفه‌ای‌ها برای افزایش نفوذ خود اهمیت رویه‌های کنش ارتباطی یا فرایندهای تعامل، بحث، مذاکره، توافق‌سازی را کشف کرده‌اند. نگرش‌های اخیر حرفه گرایی، هاله‌های احترام ناشی از تخصص‌گرایی را از دستگاه‌های حرفه‌ای دولتی و خصوصی می‌زدایند و سیاست‌گذاری و اجرا را در معرض مباحثه عمومی قرار می‌دهند. صاحبان حرفه‌ها نیز از نظریه‌های تک‌صدایی[۱] و مبتنی بر خودآگاهی فن‌سالارانه[۲] و تلاش برای برنامه‌ریزی جامع و غیر مشارکتی و مصون از نفوذ عامه و جریان‌های سیاسی، به نفع فرایندهای گفت‌وگویی[۳] عدول کرده‌اند. راهبرد حرفه گرایی جدید می‌تواند برای همهٔ کسانی که از

۱-Monological

۲-Technocratic Consciousness

۳ -Dialogical

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

خدمات حرفه‌ای‌ها بهره می‌برند، سودمند و رضایت آفرین باشد. کارِ حرفه‌ای دانایی محور درعین‌حال رویه‌ای برای بهبود کارها و روشی برای بهبود کیفیت زندگی آدمیان است.

سرانجام به‌عنوان موضوع پایانی این مقاله، راهبردهای زیر می‌توانند به‌منظور گسترش حرفه گرایی جدید در ایران، به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی و با تأکید بر تقویت رابطه حرفه‌ها با مردم، مورد توجه قرار گیرند:

- علوم انسانی عرصهٔ تأمل و فراغت بشر در دنیای کنونی است و نمی‌توان آن را کاملاً به دنیای کسب‌وکار تقلیل داد. برای جلوگیری از چالش تک ساحتی شدن در علوم انسانی باید بین الزامات دوگانه حرفه گرایی بازار- سیاستی و حرفه گرایی دانشگاهی توازن ایجاد کرد.
- حتی در آموزش نیروی انسانی با هدف تربیت حرفه گرایان بازار نیز نباید در کنار آموزش‌های تخصصی از آموزش آزاد و توجه دادن به مقولهٔ کلیت و گسترش نگاه غیر ابزاری غفلت کرد.
- باید امکانات بیشتری را برای مشارکت در تولید فرهنگی برای علوم انسانی فراهم کرد و این امکانات به‌نوبهٔ خود فرصت‌های شغلی دانش‌آموختگان علوم انسانی را نیز گسترش می‌دهد.
- برای تقویت بعد دیگری از حرفه گرایی، دانشگاهیان و صاحبان حرفه‌ها را باید به گفت‌وگوی با مردم تشویق کرد.
- حرفه‌ای‌ها باید در مورد نحوه درگیر کردن مردم با کار خود بیشتر بیاموزند.
- حرفه‌ای‌ها برای تعامل با مردم باید از شیوه‌های جذاب استفاده کنند.
- حرفه‌ای‌ها باید زمینه شکل‌گیری مخاطبین خود را به‌عنوان گروه‌های مردمی جدید فراهم سازند.
- حرفه گرایی مردم مدار باید به‌جای دفاع از هنجار خاص، خواهان برقراری بحث و گفت‌وگوی عمومی در مورد این هنجارها باشد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

فهرست منابع:

- بورُوی، مایکل (۱۳۸٦)، «درباره جامعه‌شناسی مردم مدار» ترجمه نازنین شاهرکنی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۱، صص ۱٦۸-۲۰۱.
- جلائی‌پور، حمیدرضا و جمال محمدی (۱۳۸۷)، نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی (ترجمه و تألیف)، تهران: نشر نی.
- دراکر، پیتر اف. (۱۳۷٤)، جامعه پس از سرمایه‌داری، ترجمه محمود طلوع، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- دلانتی، جرارد (۱۳۸٦)، دانش در چالش: دانشگاه در جامعه دانایی، ترجمهٔ علی بختیاری زاده، تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات، ترجمه حسن چاووشیان و دیگران، تهران: طرح نو.
- لش، اسکات (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی پست‌مدرنیسم، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر مرکز.
- لیوتار، ژان فرانسوا (۱۳۸۱)، وضعیت پست‌مدرن: گزارشی درباره دانش، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: گام نو.
- وبر، ماکس (۱۳٦۸)، دانشمند و سیاستمدار، ترجمهٔ احمد نقیب زاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- auer, M., Nick Allum & Steve Miller, 2007, "What can we learn from 25 years of PUS survey research? Liberating and expanding the agenda", *Public Understanding of Science*, vol. 16, pp: 79-95.
- Bell,D.(1973),The Coming of Post-industrial Society, New York: Basic Books.
- Bottery, M, & N. Wright (2000), Teacher and the State: Towards a directed profession, London: Rontledge.
- ickson D. 2000, "Science and its Public: The Need for a «Third Way»«*Social Studies of Science*, 30/6.
- Etzioni, A. (1969), the Semi-Professionals and Their organization: Teachers, Nurses and Social Workers, New York: Free press.
- Evetts, Julia (2003), "The Sociological Analysis of Professionalism: Occupational Change in the Modern World", International Sociology,vol 18(2):395-415.
- Evetts, J, (2004), "Organizational or Occupational Professionalism: Centralized Regulation or Occupational Trust", paper presented at ISA RC52 Interim Conference, Versailles, 22-24 September.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

- Evetts,J, (2005), "Organizational and Occupational Professionalism: the Legacies of Weber and Durkheim for Knowledge Society", ISA Executive Committee International Symposium, Cultural Change, Social Problem and Knowledge Society, Zaragoza, 7-11 March.
- Evetts, J.(2006 a), "The Sociology of Professional Groups: New Directions", Current Sociology, Vol. 54(1):133-143.
- Evetts, J.(2006 b), "Trust and Professionalism: Challenges and Occupational Changes", Current Sociology, Vol 54(4): 515-531.
- Fornier, V.(1999), "The Appeal to Professionalism as a Disciplinary Mechanism", Social Review, 47(2):280-307.
- Freidson, E. (1994), Professionalism Reborn: Theory, Prophecy and Policy, Cambridge: Polity Press.
- Freidson, E. (2001), Professionalism: The Third Logic, Oxford: Polity Press.
- Gibbons M. and et al, (1994), The New Production of Knowledge, London: Sage.
- Hargreaves, A. (1999), "Reinventing Professionalism: Teacher Education and Teacher Development for Changing World", Paper Presented at the International Conference on Teacher Education, Hong Kong.
- Irwin, A. and B. Wynne (eds.), 1996, "Misunderstanding science? The public reconstruction of science and technology", Cambridge: Cambridge University Press.
- Jacoby,R.(1987),The Last Intellectual:American culture in the Age of Academe, New York: Basic Books.
- Lowenstein, B. V. 2003, "Models of Public Communication of Science & Technology", available at: http://www.communityrisks.cornell.edu.
- McCulloch, G, et.al, (2000), the Politics of Professionalism: Teachers and the Curriculum, London: Continuum.
- Michael, M. 1996, "Ignoring science: discourses of ignorance in the public understanding of science", in: *Misunderstanding science? The public reconstruction of science and technology*, A. Irwin and B. Wynne, *Cambridge: Cambridge University Press.*
- Pitrelli, Nico 2003, "The crisis of the public understanding of science in Great Britain", *journal of science communication*, 2 (1).
- Posner, R. A.(2001),Public Intellectual:A Study of Decline,Cambridge: Harvard University Press.
- Sachs, J. (1998), Towards an activist view of Teacher Professionalism, Paper Presented at Annual Australian Association for Research in Education Conference, Adelaide.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

- Sachs, J. (2001), *"Teacher Professional Identity: Competing discourse, Competing Outcomes"*, Journal of Education Policy 16(2):149-161.
- Sachs, J. (2008), the Activist Teaching Profession, Buckingham: Open University Press.
- Sevensson, L.G. (2006), *"New Professionalism, Trust and Competence, Current Sociology*, Vol 54 (4): 579-593.
- Wynne B. 2002, "Risk and Environment as Legitimatory Discourses of Technology: Reflexivity Inside Out?«*Current Sociology*, 50, 459.
- Wynne, B. E. 1991, "Knowledge in context", Science, Technology, & Human Values 16:111-21.
- Wynne, B. E. 1992, "Misunderstood misunderstanding: Social identities and public uptake of science", *Public Understanding of Science* 1:281-304.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]

[Downloaded from ihej.ir on 2026-09-13]